

# قهرمان افسانه‌های

## Legendary Hero

مسعود شجاعی طباطبایی



«آهنگا کوئنز، هنرمند کانادایی که برای دآوری این دوره از مسابقه آیدین دوغان دعوت شده بود، اولین کسی بود که به من معرفی شد. او هنرمند بسیار سرشناسی است که آثارش غالباً بر روی جلد نشریات همچون «تایم»، «نیوزویک»، «نیویورکر» و غیره به چاپ می‌رسد. اولین سؤالی که بعد از مراسم معارفه از او پرسیدم راجع به دیگر اعضای هیئت داوران بود. وی با اشتیاق به من گفت که قهرمان افسانه‌ای او را به زودی می‌بینیم. پرسیدم این قهرمان افسانه‌ای کیست؟ در جواب از رالف استدمن اسم برد.

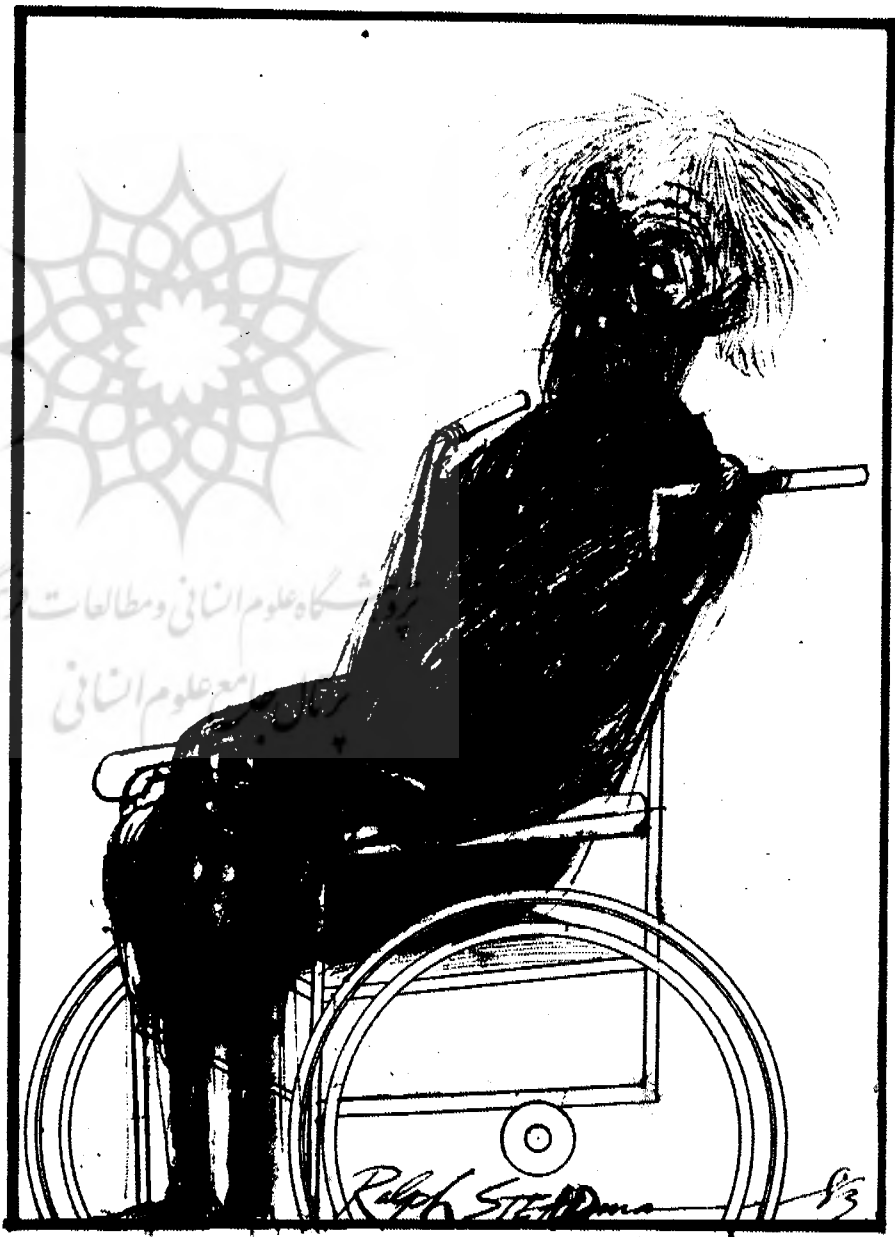
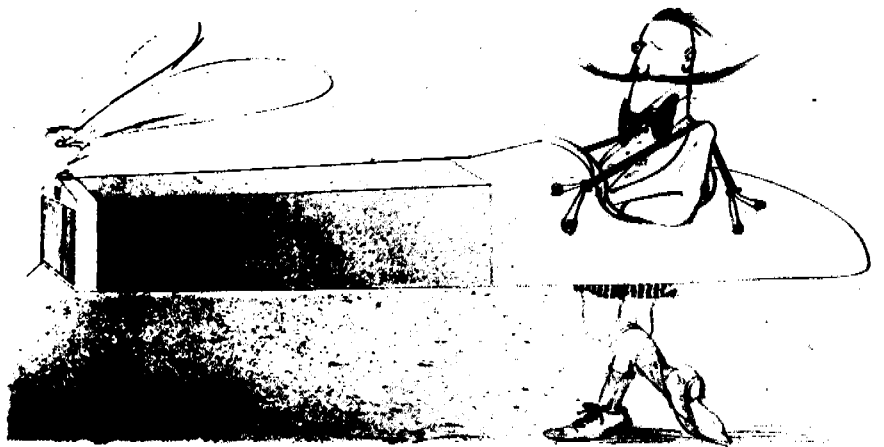
با رالف استدمن از دیرباز آشنا بوده‌ام. در ششمین شماره «کیهان کاریکاتور» (سال ۱۳۷۱)، در صفحه «برگزیده‌ها» مطلبی با عنوان «مانسک‌های مرموز» نوشته بودم که درباره یکی از تپاهکارهای استدمن با عنوان اسپران (Espiran) بود. این اثر ترکیبی از طراحی آزاد و خطوط هندسی ویژه این هنرمند است.

بر این جا، قصد دارم به معرفی کامل این هنرمند برجسته انگلیسی بپردازم. ولی قبل از وارد شدن به این بحث لازم است نکاتی را به

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

www.iranicaonline.com





شکاه علوم انسانی و مطالعات  
معد علوم انسانی

در این مقاله به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخته می‌شود. در ابتدا به تعاریف حقوق بشر و اصول آن پرداخته می‌شود. سپس به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران در سال‌های اخیر پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی نقض حقوق بشر در ایران و علل آن پرداخته می‌شود. در پایان به راهکارهای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخته می‌شود.

و البته به نظر من لیاقت این را ندارند. به همین دلیل تازگی‌ها فقط پاهایشان را می‌کشم.»

رالف در دانشگاه جورجیا تدریس می‌کند و آن‌جا هم به دانشجویان یاد می‌دهد که چگونه مدل‌هایشان را از پایین به بالا طراحی کنند. یعنی از پاها شروع کنند و به سر برسند. او کتاب‌هایی را هم تألیف و تصویرسازی کرده است. زمانی که سوزهای را برای کتاب‌هایش انتخاب می‌کند، با عشق و علاقه و با ذوق و خلاقت فراوان مطالعات و تحقیقاتش را شروع می‌کند. تحقیقات وی به قدری کامل است که دانشجویان دکترا را شرمزده می‌کند.

شیوه نگارش رالف استدمن در هر کتاب کاملاً متفاوت است. او خلاقانه داستان‌پردازی می‌کند و البته طنز نوشتاری‌اش نیز مانند طنز تصویری او بسیار غنی و پیچیده است. وی در کتاب *The Big I am* (چه بزرگ هستم من!) داستان خلقت را بازآفرینی و از دیدگاه خود به خدا و آفرینش نگاه می‌کند.

استدمن در کتاب *Tales of the weird* (حکایت‌های عجیب) به عمد از کلمه *Weird* (به معنی عجیب) از دو *r* استفاده کرده تا بر عجیب بودنش تأکیدی بیشتر داشته باشد. وی در این کتاب داستان‌ها و حکایت‌هایی را ساخته که نمایانگر عجیب‌ترین افراد روی کره زمین‌اند و البته آن‌ها به تمامی زبیده تخیل خود او هستند. مانند: «یک خانم منشی که چهار تا پا داشت، دوتا پای بلند دوتا پای کوتاه. این خانم همیشه دو جفت کفش و جوراب یک شکل می‌پوشید و...»

رالف استدمن بیش از ۱۲ کتاب تألیف کرده است که همگی در همین حال و هوا هستند.

کتاب‌هایی مانند *Still Life Whit Bottel*

(طبیعت بی‌جان و بطری)

*Between the Eyes* (مابین دوچشم)

*Sigmund Freud* (زیگموند فروید)

*No Room To Swing a Cat* (جایی

برای چرخاندن یک گربه نیست)

*Teddy! here are you* (تدی!

تو کجایی؟)

*Near the Bone* (نزدیک استخوان)

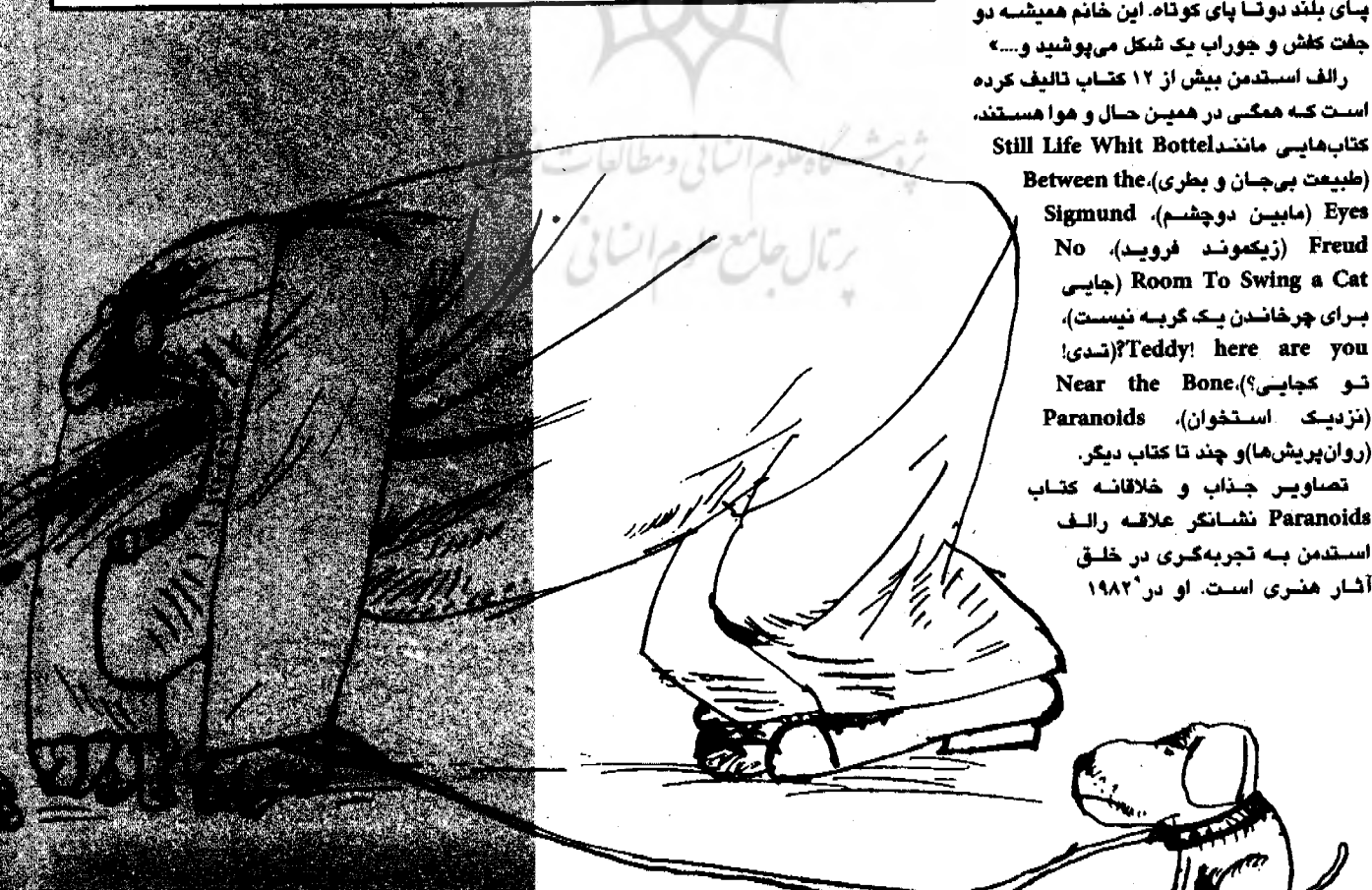
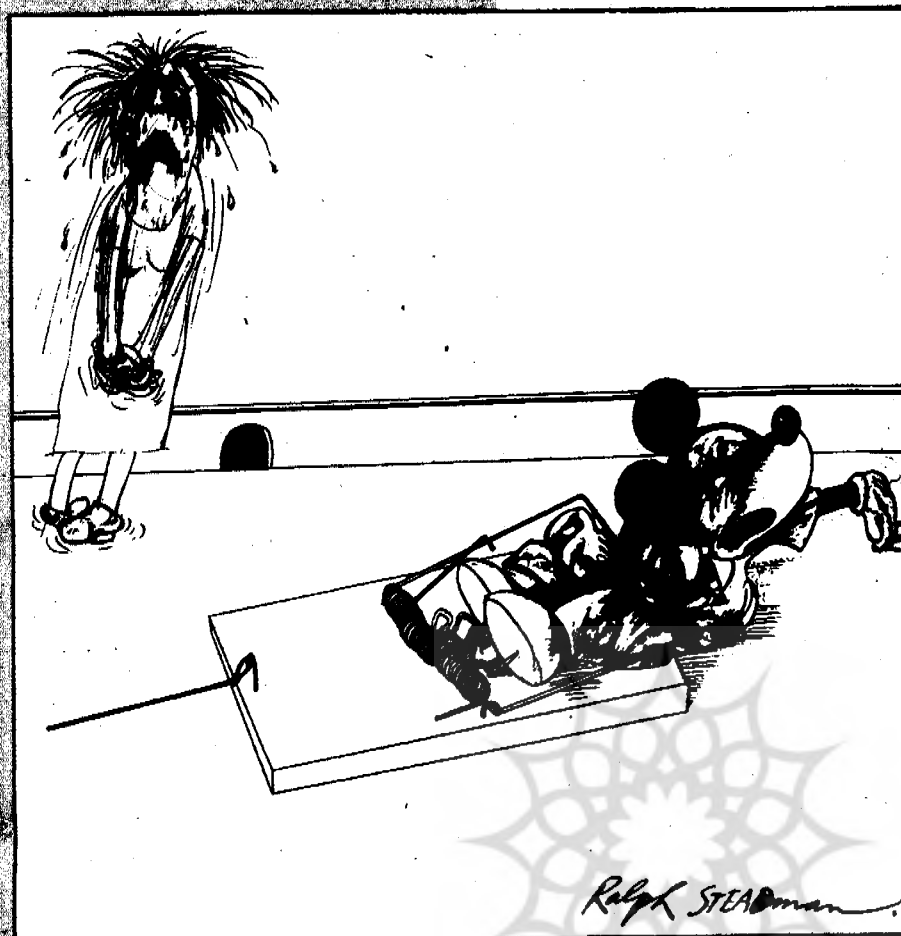
*Paranoids* (روان‌پریش‌ها) و چند تا کتاب دیگر.

تصاویر جذاب و خلاقانه کتاب

*Paranoids* نشانگر علاقه رالف

استدمن به تجربه‌گری در خلق

آثار هنری است. او در ۱۹۸۲



در اولین سفرش به ترکیه متوجه شد آفتاب یکی از عکس‌های پولارویدش را آب کرده است. این مسئله او را به این فکر واداشت که با عکس‌های پولاروید صدمه‌دیده چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. او با دست‌کاری کردن امولوسیون (مواد حساس عکاسی) به ایجاد تغییرات و فرم‌اسیون‌هایی در تصاویر دست یافت که خیلی برایش جالب بود و با این تکنیک راه تازه‌ای برای کاریکاتوریزه کردن سوژه‌هایش پیدا کرد.

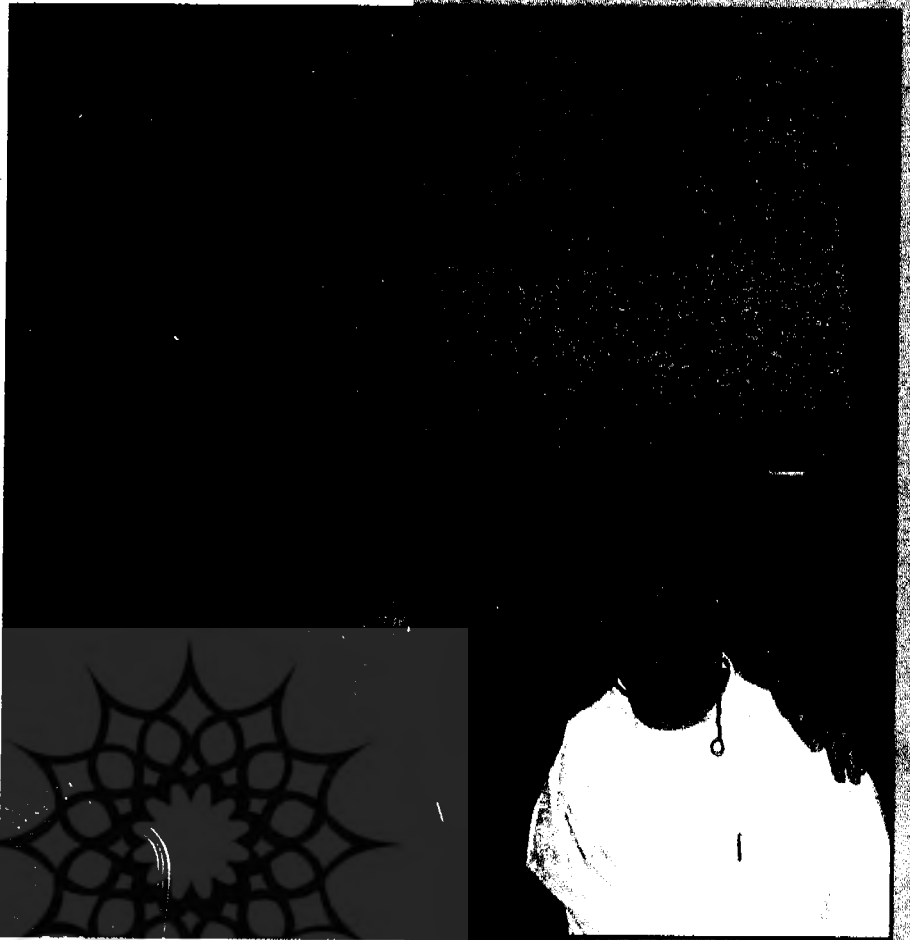
رالف در این باره می‌گوید: «با این روش می‌خواستم عکس‌ها از خود کسانی که از نشان عکس گرفته می‌شد وحشی‌تر به نظر برسند، به شکلی که حتی خود آن افراد هم نتوانند تا این اندازه وحشی و عجیب باشند.»

از استدمن شنیدیم که تکه‌هایی از گوشت تازه گوسفند را بر روی کارهایش می‌فشرده است تا به رنگ خون دست پیدا کند. او در این مورد توصیه‌ای دارد: «این کار را نباید در گرمای تابستان انجام داد، چون بوی خون مگس‌ها را جذب می‌کند. خون را بگذارید لخته شود. آن وقت به رنگی دست خواهید یافت که به هیچ وجه شبیه رنگ هیچ کدام از سس‌های گوجه رایج نیست.»

همه کسانی که رالف استدمن را می‌شناسند، او را در رده هنرمندان و کاریکاتوریست‌هایی می‌دانند که عادتشان پاشیدن مرکب بر روی کارشان است. او در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد این تکنیک چنین گفته است: «من با پاشیدن مرکب می‌گویم کارهایم را نشانه‌گذاری کنم. همان‌طور که سگ‌ها تیرهای چراغ برق را نشانه‌گذاری می‌کنند!»

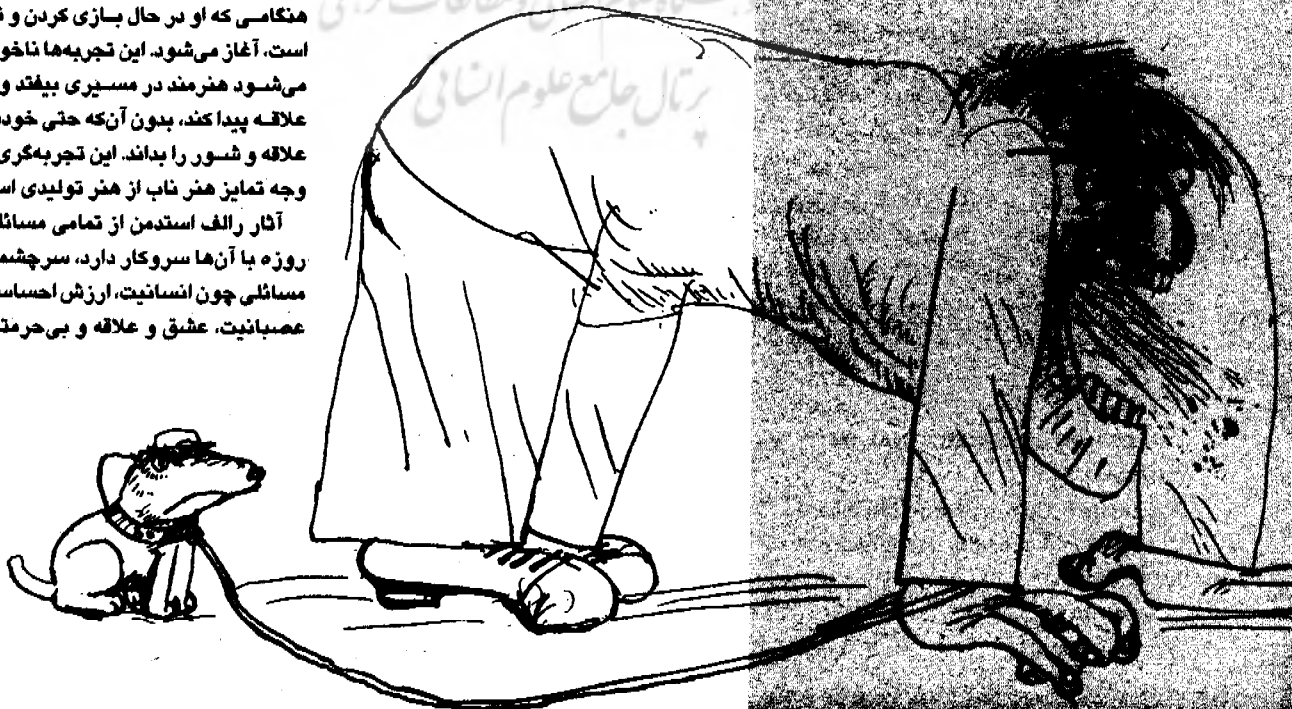
رالف اعتقاد دارد که فرایند خلاقیت هر هنرمند هنگامی که او در حال بازی کردن و تجربه‌کردن است، آغاز می‌شود. این تجربه‌ها ناخودآگاه باعث می‌شود هنرمند در مسیری بیفتد و به روشی علاقه پیدا کند، بدون آن‌که حتی خودش دلیل این علاقه و شور را بداند. این تجربه‌گری برای رالف وجه تمایز هنر ناب از هنر تولیدی است.

آثار رالف استدمن از تمامی مسائلی که او هر روزه با آن‌ها سروکار دارد، سرچشمه می‌گیرند؛ مسائلی چون انسانیت، ارزش احساسات، احترام، عصبانیت، عشق و علاقه و بی‌حرمتی‌ها.



رالف استدمن و پسرش در حال نقاشی در یک فروشگاه و دومین دوره جشنواره بین‌المللی کاریکاتور آیدین دوکان

پرتال جامع علوم انسانی  
مطالعات فرهنگی



◀ ادامه دارد